اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۳۵)

غبار (۳)

هفت محدوده خطر،

هفت در جهنم

در قسمتهای قبلی بیان شد که هفت محدوده خطری که خدای رحمان بیان فرموده‌اند همگی از یک خطر استراتژیک اصلی حرف می‌زنند، بطوریکه اگر در یکی بیفتید، در دیگری هم خواهید افتاد. در قرآن به هفت درب جهنم اشاره شده است که هفت درب جهنم مربوط به این خط قرمزهای هفتگانه است. کسی که از یک درب جهنم وارد آن شود، دیگر وارد جهنم شده است و به خط قرمزهای دیگر هم دسترسی دارد. اگر چه شاید حتی

خط قرمزهای دیگر را قبول نداشته باشد. ولی سیستم جهنمی اینطوری است و بطور زنجیروار انسانها را به سمت خط قرمزهای هفت گانه می کشاند. نزدیک شدن به محوطه ممنوعه مثل نزدیک شدن به ساحل است که اگر گیر یک موج بیفتید، شما را با خود می برد و شما را ممکن است به ساحلهای دیگر هم ببرد.

مثلا کسی که مال یتیم را بخورد، خودبخود بعد از مدتی، به سمت خط قرمز فحشاء هم خواهد رفت. زیرا یکی از دربهای هفتگانه، خوردن مال یتیم است. کلمه مال در اصل یک کلمه اوستایی است از ریشه مل؛ اما وقتی این کلمه دو حرفی وارد گرامر عربی شود، کلمات زیاد دیگری از آن ساخته می شود و معانی جالب دیگری به خودش می گیرد. خدای بزرگ از نزدیک شدن به مال یتیم برحذر می دارد. یتیم در قرآن کسی است که هوش مادی اش از هوش شما پایین تر است. بنابراین می توان براحتی سرشان کلاه گذاشت. هرگونه فعالیت اقتصادی که باعث کلاه گذاشتن سر سایر مردم شود، به مثابه خوردن مال یتیم است.

خیلی از تبلیغات بانک‌ها، تبلیغات تلویزیونی، فیلمهای سینمایی، بسته‌بندی‌های فریبنده، خاصیت تراشی و... همگی به مثابه خوردن مال یتیم است. زیرا این نوع تبلیغات، براساس فریب و یتیم سازی بینندگان صورت می گیرد و از خواص فریب استفاده میکنند. متخصصان ماهری پشت پرده اینها هستند. خیلی از مردم نسبت به این سازمانها و افراد یتیم به حساب

میایند. زیرا مردم از یک سری داده ها و پردازشها بی خبرند و براحتی فریب می خورند و حتی اگر در ظاهر فریب نخورند، وسوسه میشوند و در محدوده خطر می افتند. وقتی در محدوده خطر بیفتید، دیر یا زود فریب می خورید. افراد با هوایی کردن یتیمان، مال آنان را می خورند. در محدوده خطر، این نوع ظلمها طبیعی است و پیش میاید.

در آیه دیگری خدای رحمان خطاب به مجرمان می فرمایند که به دربهای جهنم وارد شوید، او نمی فرماید به جهنم وارد شوید؛ بلکه می فرمایند به دربهای جهنم وارد شوید.

ادْخُلُوا أَبْوَاب جَهَنَّم خَالِدِين فِيهَا فَبِئْس مَثْوَي الْمُتَكَبِّرِين (غافر: ۷۶)

از درهای جهنّم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید و چه بد است جایگاه متکبّران!

زیرا وارد شدن به دربهای جهنم همان نزدیک شدن‌های هفتگانه است. بنابراین داخل شدن در درهای جهنم استارتش از همین دنیا زده میشود. خدا به آنها می گوید که : (ادْخُلُوا أَبْوَاب جَهَنَّم) **بفرمائید جهنم، همان چیزی که برایش عجله داشتید و برایش له له می زدید. حالا در اختیارتان است و از هر دری که دوست دارید وارد شوید.**

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُم تُوعَدُون (يس: ۶۳)

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد!

ذُوقُوا فِتْنَتَكُم هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُون (ذاریات: ۱۴)

(و گفته می‌شود:) بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید!

پس نحوه برخورد ما با محوطه های قرمز هفت گانه یا همان (لا تقربوها) باید طور دیگری باشد و با مراقبه و دقت بیشتری صورت گیرد تا که در آن نیفتیم.

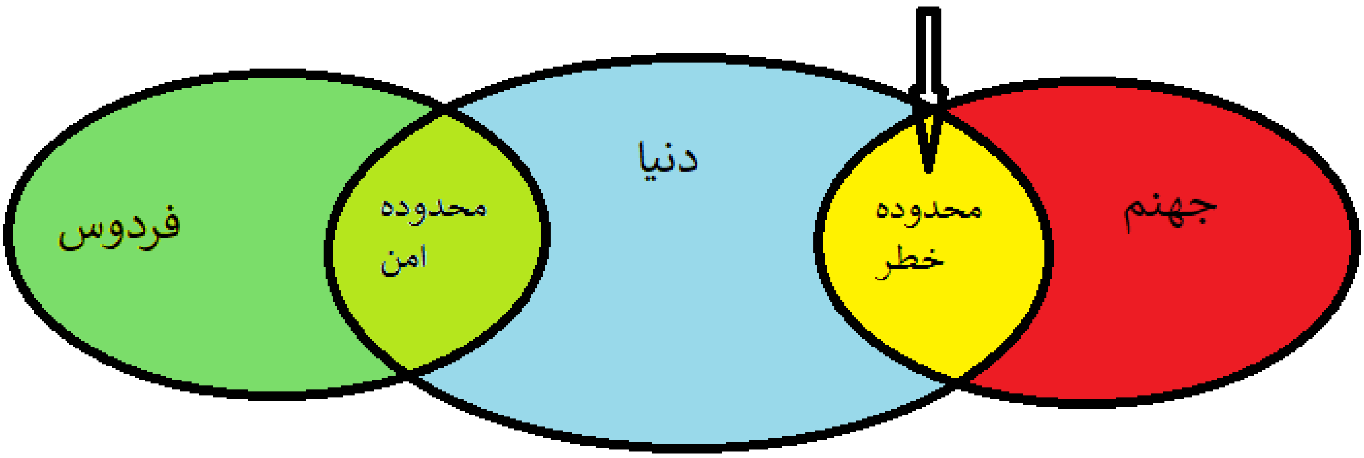
۱	تِلْكَ حُدُودُ الله فَلاَ تَقْرَبُوهَا ... (بقره:۱۸۷)	**مبحث روزه داری**	**عبادات نماز و روزه**
۲	لاَ تَقْرَبُوا الصَّلاَةَ وَ أَنْتُم سُكَارَي ...	**نماز سهوی و سکاری**	
۳	لاَ تَقْرَبُوا الْفَوَاحِش مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَن ...	**فحشاء ظاهری و باطنی**	**فواحش و زنا**
۴	لاَ تَقْرَبُوا الزِّنِي ...	**زنا**	

۵	لاَ تَقْرَبُوا مَال الْيَتِيمِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَن ...	مال یتیم	یتیمان و زنان
۶	لاَ تَقْرَبُوهُن حَتَّيٰ يَطْهُرْن ...	زنان در دوران قاعدگی	
۷	وَ لاَ تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَة ...	شجره ممنوعه (خُلد و مُلک)	جاودانگی و مالکیت

با یک مثال این نوع احتیاط و مراقبه توضیح داده می شود. یک آهو یا گوزن باید محتاطانه و با مراقبه شدید از دریاچه آب بنوشد که اگر این کار را نکند، گیر تمساح خواهد افتاد. اگر آب نوشیدن را طولانی کند و بی احتیاط وبی خیال شود، قطعا گیر تمساح می افتد. گیر تمساح افتادن یعنی در دریاچه خطر افتادن و آن موقع امکان نجات خیلی کم است. زندگی و هستی و نیستی آهو به این نوع مراقبه گره خورده است. برای آهو لا تقربوا، یعنی در حالتی هوشیارانه و محتاطانه به سر بَرد، حتی در حین خوردن علف هم باید مواظب باشد که شکار شیر و ببر نشود.

این نوع احتیاط یک نوع مراقبه است تا که در محدوده خطر نیفتید. زیرا در محدوده خطر افتادن برای آهو به قیمت جانش تمام می‌شود و ممکن است گیر بیفتد. وقتی خدا می‌فرمایند ای انسان به محدوده‌های قرمز نزدیک نشوید، یعنی احتمال گیر افتادن و داخل شدن به جهنم در آن زیاد است و حتی میتوان گفت که جهنم از همانجا شروع میشود و این محدوده های

خطر هفت گانه منطقه مشترک این دنیا و جهنم هستند. در این دنیا باید برای خود محوطه امن ایجاد کنید تا که جذب محوطه خطر نشوید. شما نمی توانید تا آخر عمرتان بی تفاوت باشید؛ آزمایش طوری طراحی شده است که بالاخره جذب یکی خواهید شد؛ زیرا غیر از این دو مسیر، مسیر دیگری وجود ندارد. وارد شدن به هفت دروازه جهنم، از همین دنیای فانی شروع می شوند.



کسی که در محدوده های قرمز هفتگانه قرار گیرد و تا آخر عمرش از آن خارج نشود و به آن عادت کند، در روز جدایی و روز آخر، به جهنم ملحق می شود و در آن ذوب می شود. محدوده خطر سایه ای از جهنم است که روی این دنیا هم افتاده است. محدوده زرد رنگ، سایه جهنم است که در این دنیا هم وجود دارد و کسانی که به محدوده قرمزها نزدیک می شوند،

در معرض آن قرار می گیرند. سایه زرد جهنم در محدوده های خط قرمز افتاده است و افراد با وارد شدن به این خط قرمزها، شرایط یک زندگی جهنمی دنیوی را تجربه می کنند. در قسمت بعدی، سایه زرد جهنم توضیح داده می شود.

به این خاطر است که این نوع مراقبه برای هرانسانی لازم است. اتفاقاً دو کلمه تقربوا و مراقبه هر دو شباهت آوایی هم دارند. اگر چه این دو کلمه در عربی از یک ریشه نیستند ولی در زبانهای باستانی، این دو از یک ریشه اند.

تمام خوف و حزن‌ها، ترس و اضطراب‌ها در محدوده‌های ممنوعه پیش می‌آیند. بیشتر بیماری‌ها، بی‌خوابی‌ها و سایر مشکلات روانی و جسمانی زمانی پیش می‌آیند که در منطقه ممنوعه هستیم. انسان‌ها در این مناطق ممنوعه دچار حسرت، حسد و سایر صفات زشت می‌شوند. در این محدوده ها، مصارف الکی، اسراف، زیاده روی و اتلاف وقت صورت می گیرد که همگی اینها مربوط به حق خوری دیگران هم هست. نزدیک شدن به محوطه‌های ممنوعه تنها ظلم به خود نیست، بلکه ظلم به دیگران هم هست، زیرا در این محدوده‌ها در مناطق ممنوعه اتفاقات عجیبی می‌افتد که همگی استرس آفرین هستند. مردم خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و چشم و هم چشمی می کنند و به این طریق اضطراب و سردردهای زیادی را وارد

زندگی خود میکنند. این جور صفات زشت در مناطق ممنوعه رخ می دهد و گرنه در نظام رحمانی این جور صفات، معنا و مفهوم ندارد.

بیشتر نکاتی که در تراپی‌ها در فضای مجازی مطرح می‌شود، مربوط به ساز و کارهایی در منطقه ممنوعه است که اکثرا مُسکن درمانی است. در محیط‌های ممنوعه درمان صورت نمی‌گیرد و بلکه همه اش تسکین موقت است؛ طوری که آدمی ظاهرا آرام می شود ولی از محیط ایجاد کننده بیماری بیرون نیامده است. اما اگر افراد از این محیط های ممنوعه بیرون آیند، به این نوع تراپی‌ها نیاز پیدا نمی‌کنند. اگر و مگرهای زیادی در مناطق ممنوعه هست که در بیرون از آن به این اگر و مگرها برنمی خورید.

عشق و توهمات عاشقانه، عشق در نگاه اول، بخشیدن سمرقند و بخارا همگی در محدوده‌های خطر پیش می‌آیند. اگر شاعر در محیط ممنوعه نمی‌رفت، مجبور به بخشیدن سمرقند و بخارا نمی‌شد. اگر آدمی وارد محوطه‌های قرمز نشود اینجور توهمات اصلاً برایش پیش نمی‌آید. در کل اگر آدم وارد محوطه ممنوعه نشود، اصلاً خیلی از مشکلات و جزئیات و دغدغه ها برایش پیش نخواهد آمد و سبک بال است و زندگی خیلی راحت تری خواهد داشت و نسبت به خدا مایوس نخواهد شد.

بیشتر مردم مفهوم آزادی را در رها شدن در محوطه ممنوعه می‌بینند و به این طریق مفهومی بر خلاف آنچه که خدا تعریف کرده است برای خود

درست می‌کنند. برخلاف آنچه که خدا در مورد آزادی و رستگاری فرموده است. آزادی در مرام و آئین خدایی یعنی رها شدن از دست منطقه ممنوعه؛ و این دو تفسیر و تعبیر درست برخلاف همند. خیلی جالب است که مفاهیم آزادی بطرز عجیبی در طول زمان مفاهیمی برعکس از آب در می آیند؛ مثل این است که بعد از مدتی، زندانی شدن را آزادی بنامیم. بعضی از مردم به اشتباه از مرگ می ترسند در حالی که باید از زندگی ترسید. البته از زندگی هایی که هر لحظه امکان افتادن در خطوط قرمز و گیرافتادن در آن است. انسان نمی‌داند که از چی بترسد و از چی نترسد. یکی از خصوصیات محوطه‌های قرمز، وجود جمع اضداد در آنهاست. به همین خاطر ممکن است که در این محوطه‌ها از آن چه خوشت نیاید، سرت بیاید.

ایمان یا پندار نیک یعنی روش امن را انتخاب کردن. روشی که خوف و حزن و ترس و اضطراب نداشته باشد. محوطه‌های قرمز راه‌های پیچیده و پرهزینه‌ای هستند که آدمی را وارد جزئیات بی پایان می‌کنند که بیرون آمدن از آن تقریباً غیر ممکن و یا مشکل است. برخلاف باور بعضی‌ها ایمان به معنای پذیرفتن یک معنویت غیبی و بدون مدرک نیست، بلکه به معنای انتخاب روش امن است. وقتی به آخرت ایمان می آورید، یعنی روش امنی را برای رسیدن به آینده نهایی انتخاب می کنید.

نزدیک شدن به بعضی محدوده‌های قرمز، خطر افتادن در خط قرمزهای دیگر را به دنبال دارد. مثلاً اگر یکی مال دیگران را به روش مال یتیم

بخورد، ممکن است که در آینده در فحشا و خطوط قرمز دیگر هم بیفتد. همانطور که شعیب به قومش این نوع هشدار را می‌دهد.

وَ يَا قَوْم لاَ يَجْرِمَنَّكُم شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْل مَا أَصَاب قَوْم نُوح أَوْ قَوْم هُودٍ أَوْ قَوْم صَالِح وَ مَا قَوْم لُوط مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ (هود: ۸۹)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست!

کسی که وارد محوطه قرمز شود، جریانش برعکس شده است و در نتیجه به حقیقت پشت کرده است و البته شاید خودش خبر نداشته باشد.

هورمونهای بدن ما برای یک زندگی عادی خارج از محوطه های قرمز آفریده و تنظیم شده اند. در منطقه ممنوعه کارکرد این هورمونها به هم میخورد و تنظیماتش به هم می ریزد. منشاء خیلی از بیماریها، ماندن و عادت کردن به خطوط قرمز و ممنوعه است.

مثلا اگر نمازها را به جا نیاورید، زمانبندی های نظام رحمانی را رعایت نکرده‌اید و نتیجتا از نظر زمانبندی با محیط‌های دیگر هماهنگ می‌شوید.

وقتی آدمی از نظر زمانی با جای دیگری هماهنگ باشد، یعنی دلش همانجاست. زمان بندیهای نظام رحمانی طبق وقت و افق بهشت هستند. اما در محدوده خطر، زمان بندی ها به وقت و افق جهنم هستند. در محدوده خطر، سایه جهنم افتاده است و قطعا همه چیز به افق جهنم است. اگر دل به این محلها ببندی، یعنی افق جهنم را پسندیده ای و پس مقصد نهایی جهنم خواهد بود و چه مقصد و جایگاه زشت و نامناسبی!

اما سیستم بهشتی بر اساس زمان بندی رحمانی است؛ کسی که اینها را رعایت کند، یعنی دلش با فردوس برین است. هرکس دلش هر جا باشد، همانجا می رود. خدای رحمان کسی را به زور به فردوس یا جهنم نمی اندازد.

در محوطه‌های لاتقربوا هر لحظه ممکن است که قول و عهد خود را بشکنید. آن قدر به طور متوالی قول و عهد خود را می شکنید که دیگر از خودت خسته می شوید. در نتیجه مایوس و نا امید می شوید و اعتماد به نفستان را از دست می دهید.

عوامل و فاکتورهای جذب کننده زیادی در این محوطه ها هست که بر شما فشار می آورند و فکرتان را مشغول می کنند. وقتی خدا می فرمایند که نزدیک این محوطه نشوید، یعنی در این محوطه ، نماز هم نماز واقعی نیست و نمی توانید آن را بدرستی انجام دهید.

رفتن به هر کدام از محوطه های خطر هفتگانه، رفتن به دیگر محوطه های دیگر را تسهیل و تضمین میکند. در این محوطه‌ها عیبهای انسان نمایان می شوند و انسانها بیشتر وقتشان را صرف پوشاندن و دفع این عیبها می کنند.

ازدیاد حسرتها، ای کاش ها، استرسها و اضطرابها همگی از پیچیدگی های محیطهای ممنوعه حکایت می کنند که تصمیمات آدمی را دچار دردسر می کنند.

محوطه های ممنوعه خودشان یک دنیا هستند و حواشی زیادی دارند. خود را مشغول کردن به این جور حواشی، فرصت سوزی و وقت سوزی است. فرصتهایی که همین جوری از دست می رود. قرآن دارد راجع به این نوع فرصت سوزی هشدار می دهند.

نزدیک شدن به گناهان هفت گانه از خود گناه خطرناک تر است و حتی از خود گناه پرحاشیه تر است. زیرا یک عمر می‌تواند انسان را در خود نگه دارد و او را به مراد و مقصود نرساند. محیطهای خطرناک هفت گانه چنین ظرفیت نگهدارنده و سر کار گذاشتنی را دارند. شاعر بوده است که در یک خط قرمز افتاد و سالها با آن زندگی کرد و کتابهای شعر هزار صفحه ای در مورد آن نوشت و در این هزاران صفحه حوادث داخل محیط ممنوعه را وصف کرده است و در این پیچ ها و پیچیدگیها گم شد، طوریکه دیگران را هم با خود همراه کرد و همه با هم گم و سرگردان و حیران شدند.

در محیطهای ممنوعه جمع اضداد زیاد است و حتی عادی است و حیرانی و سرگردانی قربانیان به همین دلیل است. در محیلهای ممنوعه وقت تلف کردن و سرگردانی زیاد است، چهره زندگی تغییر میکند و قطعا اهداف هم تغییر میابد. از زنان و مردان بت می سازد و مردان و زنان خیالی در جامعه ایده آل و هدف می شوند و همه می خواهند که اینطوری شوند.

و به این طریق سبک وسیاق غلطی رواج می یابد. مثلا در مسائل جنسی وقتی تقربوا پیش آید، هدف از ازدواج می شود مسائل جنسی و در نتیجه بعد از مدتی ازدواج برای رسیدن به این هدف شکل می گیرد و به صورت ازدواجهای سفید و صورتی و ساعتی در می آید.

غبار آلود شدن برای جهنمی شدن کافی است. تصاویر پورن محوطه ای غبارآلود می سازند که بندگان را غباری می کنند. غباری زندگی کردن مقدمه همان جهنم است ولی متاسفانه بیشتر مردم نمی دانند. آدمیان وارد بهشت نمیشوند، نه این که نگذارند وارد آن شوند، بلکه به این خاطر که آنها نمی توانند در محیطهای بهشتی زندگی کنند. عادی شدن غبار یکی از بزرگترین و مهمترین خطراتی است که معمولا بیشتر مردم آن را می پذیرند و این یکی از بزرگترین خطرات پنهانی است که آنان را از همین حالا به جهنم عادت می دهد.

صنعت پورن در نزدیک کردن افراد به محوطه خطر نقش مهمی دارد. شما نمی توانید این صنعت را خاموش کنید. بلکه باید خودت جبهه خودت را مشخص کنید و سعی کنید در آن محدوده ها نیفتید و از آن دوری کنید. دو تا از خط قرمز ها هم مربوط به فحشا و زنا است. بنابراین چه بخواهیم و چه نخواهیم، خوشمان بیاید و یا نیاید، دو هفتم از خط قرمزها (تقریبا ۲۸ درصد) مربوط به دوری از حواشی صنعت پورن و دوری از حواشی و نتایج آن است. هر کدام از محوطه های ممنوعه، شما را وارد محوطه های خطر دیگر می کند؛ اگر چه شاید در ظاهر قبولش نداشته باشید.